



فیلسوفان مسلمان، هرمس را منشأ حکمت می دانستند/ هرمس و آثار هرمسی در جهان اسلام

مهمترین منبع برای آگاهی از آثار هرمسی به عربی، الفهرست ابن ندیم است. در این کتاب بیست و دو رساله از هرمس ذکر شده که سیزده کتاب در مورد کیمیا، چهار مورد در طلسمیات و پنج مورد درباره طالع بینی است.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: مهمترین منبع برای آگاهی از آثار هرمسی به عربی، الفهرست ابن ندیم است. در این کتاب بیست و دو رساله از هرمس ذکر شده که سیزده کتاب در مورد کیمیا، چهار مورد در طلسمیات و پنج مورد درباره طالع بینی است. از این کتاب shy&ها فقط اندکی از آنها باقی است، مابقی فقط نامی از آنها مانده است. یکی از نتایج مهم برخورد بین سنت مصری و یونانی در اسکندریه، ظهور مکتب هرمسی بود. این مکتب تأثیر زیادی بر علم و فلسفه در دنیای اسلام و غرب به جای نهاده است. در طول قرون وسطی، مسیحیان، یهودیان و مسلمانان، هرمس را به عنوان پایه shy&گذار علم می شناختند. در واقع همه رسالات منسوب به او مورد مطالعه دانشمندان همه رشته shy&های علمی قرار گرفت. در طول این دوره، دانشمندان مسلمانی چون جابر بن حیان، اخوان الصفا، الجلدکی، المجریطی، ابن سینا و سهروردی و همچنین متفکرین بزرگ غرب مثل ریموند اول، آلبرت کبیر، راجر بیکن و روبرت گروس تست، بیشتر از طریق تماس با منابع اسلامی، عمیقاً تحت تأثیر مکتب هرمسی قرار گرفتند. همچنین در طول رنسانس در غرب-علاقه به مکتب هرمسی چنان که در آثار دانشمندان و فلاسفه مشهور این دوره از قبیل فیکینو[1]، آگریپا[2]، پاراسلوس[3] و حتی برونو[4] پیداست افزایش یافت. به علاوه می shy&توان گفت که متفکرین دوره رنسانس از مکتب هرمسی برای منکوب کردن دیدگاه shy&های ارسطویی - و در مواردی خاص حتی مسیحیت - استفاده می shy&کردند.

حتی در قرن هفدهم، علی رغم تغییر و تحول در علوم طبیعی، علاقه به مکتب هرمسی از سوی شخصیت shy&های بزرگ علم جدید مثل نیوتون و بویل[5] حفظ شد و در قرن هجدهم در انگلستان برای حفظ آن اصرار و پافشاری می shy&شد. در آلمان، عارف بزرگ، یاکوب بومه[6] زبان هرمسی را پذیرفت. از طریق او نفوذ این مکتب در شعر گوته[7] و همین طور در مکتب فلسفه طبیعی قابل تشخیص است. روی هم رفته مکتب هرمسی با فلسفه طبیعی و کیهان شناسی مخصوص به خود، تأثیر زیادی بر تمدن غربی و اسلامی به جای گذاشته است. بنابراین تحقیق و پژوهش در مبادی و اصول این مکتب، یکی از وسایل کشف ماهیت اصلی زندگی عقلانی اسلام و مسیحیت است. چنین تحقیقی به ویژه مربوط به فهم نوع خاصی از علم و فلسفه است که در قرون وسطی گسترش پیدا کرد و به همراه مکاتب عقلانی معروف ارسطویی ماندگار شد.

ماهیت هرمس

پیش از آن که آثار هرمس را بررسی کنیم بهتر آن است که راجع به شخصیت خود هرمس که با عقلانیت این مکتب یکی شده، بحثی داشته باشیم. در طول قرون وسطی، هرمس را همان توت[8] مصری، اخنوخ[9] عبری، هوشنگ ایرانیان باستان و ادریس[10] مسلمان می shy&پنداشتند. هواداران وی در هر جایی که بودند او را پیامبری می shy&دانستند که برای انسان، پیامی الهی آورده و پایه shy&گذار علم بوده است. اما پیش از آنکه فرهنگ مصری و یونانی در اسکندریه به هم آمیزد، هیچ مکتبی با عنوان مکتب هرمسی به وجود نیامده بود. شخصیت هرمس کاملاً از «توت؛ raquo& متمایز بود. هرمس، خدایی یونانی و «توت؛ raquo& یکی از قدیمی shy&ترین خدایان مصری بود که نقش مهمی در پرستشگاه shy&های مصری داشت.

در اساطیر یونانی، هرمس پسر «زئوس؛ raquo& و مایا[11] بود. بعداً او با «مرکوری؛ raquo& رومیان که علامت ویژه shy&اش، عصای چاووش[12] [به عنوان نشان علم پزشکی] بود یکی انگاشته شد. اولین اشاره به هرمس به عنوان پایه shy&گذار مکتب هرمسی در نامه مانتو[13] به بطلمیوس دوم[14] که در سال 250 ق. م نوشته شده یافت شده که در آن هرمس، پسر آگادتمون[15] دانسته شده است. اما، پیش از آن هرمس به عنوان یک شخصیت اسطوره shy&ای مشهور بود و ارتباط و همانندی وی با مرکوری[16] در سطح وسیعی پذیرفته شده بود. می shy&توان گفت که اعتقاد بعضی از دانشمندان مسلمان به این که «ادریس؛ raquo& همان «بود؛ raquo& است مبتنی بر همین رابطه بین هرمس و «مرکوری؛ raquo& می shy&باشد.

رب النوع مصری «توت؛ raquo& یا «توتی؛ raquo& در وهله اول خدای خورشید بود که به واسطه علامت ویژه خود ایبیس[17] شناخته می shy&شد. معبد اصلی وی در اونو[18] یا خنومو[19] در عصر وسطی قرار داشت که یونانیان آنرا هرموپولیس[20] می shy&نامیدند، بعدها وی رب shy&النوع حکمت، پزشکی، کتابت و معماری شد. او همیشه با همتای مؤنث خود نه shy&ماهوت[21] که ماهیت کلی و همچنین سوفیا است ظاهر می shy&شد. «توت؛ raquo& همچنین زبان و قلب رب النوع «رع؛ raquo& بود، به این معنا که او اساساً کلام حق، و دارای آن ورد عقلانی است که با پیوند با الوهیت امکان پذیر می shy&ساخت. «توت؛ raquo& رب النوع اندازه shy&گیری و محاسبه حرکت سماوات نیز بود و در داستان

171#&؛ اوزیریس؛ به عنوان ساحر یا جادوگر ظاهر می‌شود؛ shy؛ شد.

در جریان یگانه سازی 171#&؛ توت؛ مصری و هرمس یونانی و ظهور هرمس به عنوان پایه گذار مکتب هرمسی، 171#&؛ توت؛ آن وجه وجودی را که کاملاً آسمانی بود از دست داد. اساساً به جهت یک نیروی کیهانی [22] بود که 171#&؛ توت؛ با خدای یونانی یکی شده بود. همچنین مکتب هرمسی با کیهان شناسی و علوم طبیعی بیشتر از متافیزیک محض مرتبط بوده است. هرمس خود رابط بین دنیای محسوس و روحانی و سطح متعالی وجود برای انسان ساکن در دنیای کون و فساد است. از سال 250 ق.م به این سو که نام هرمس به عنوان پایه گذار یک مکتب عنوان شد و مقالات و کتب زیادی به اسم او به رشته تحریر درآمد. بزودی وی به خداوند آسیلیپوس [23] و ایسیس [24] و اوزیریس [25] تبدیل گردید.

پس از آن مکتب هرمسی سریعاً توسعه و گسترش پیدا کرد و در قرن اول میلادی به صورت یکی از مهمترین مکاتب علمی و فلسفی اسکندریه درآمد. آثار مهمی بنام هرمس بزرگ پدید آمد که حاوی تعالیم اساسی این مکتب است. قرن shy؛ها این آثار رقیب متون مسیحی بوده و حتی مشروعیت و مقبولیت دینی نیز به دست آورده است.

آثار منسوب به هرمس

آثار منسوب به هرمس عبارتند از:

مجموعه هرمسی مرکب از پویماندروس [26] و چهارده موعظه از آسیلیپوس [27]. موعظه کامل یا آسیلیپوس که متن یونانی و اصلی آن از دست رفته ولی ترجمه لاتینی آن موجود است. بیست و هفت چکیده (تلخیص) از استوبائوس [28]، فیلسوفی که در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم زندگی می‌shy؛کرد. بیست و پنج قطعه موجود در منابع مسیحی که در جای دیگری یافت نمی‌shy؛شود. قطعات موجود در آثار زوسیموس [29]، فالجنیتوس [30]، امبلیخوس [31] و امپراطور جولین. به علاوه مقالات زیادی درباره نجوم، کیهان، پزشکی و ریاضیات منسوب به هرمس را باید یافت که عناوین آنها در دائرة المعارف گرائیکا [32] آمده است. همچنین برتلوت [33] آثار علم کیمایی منسوب به وی را فهرست کرده است. استین اشنايدر [34] هم شانزده کتاب را که ذیل نام هرمس به عربی ترجمه شده است، فهرست نموده است.

پس از قرون وسطی گردآوری و چاپ اولین مجموعه کامل هرمسی به وسیله فیلسوف مشهور ایتالیایی، مارسیلیو فیکینو [35] آثار انجام شده و او همان کسی است که این مجموعه را در سال 1471 میلادی در ایتالیا چاپ کرد. این اثر به اندازه shy؛ای جذاب بود که در طول دوران رنسانس بیست و دوبار چاپ گردید و در سال 1549 میلادی نیز به ایتالیایی ترجمه شد. متن یونانی (نسخه اصلی) این اثر برای اولین بار در سال 1554 میلادی چاپ شد و سه سال بعد ترجمه فرانسوی آن انجام گرفت. در سال 1650 میلادی آثار هرمس، از عربی به انگلیسی ترجمه شد. در سال 1702 میلادی نسخه اصلی آلمانی آن منتشر شد.

در عصر جدید این مجموعه سه بار ویرایش و منتشر شده است؛ نخست همان طور که قبلاً بیان شد به وسیله مید [36] به انگلیسی، بار دوم به وسیله اسکات [37] باز هم به انگلیسی و بار سوم به وسیله ناک [38] و فستوگیر [39] به فرانسه. ترجمه اخیر کاملترین و دقیق shy؛ترین و مبتنی بر تحقیق مفصلی در متن یونانی است. هر یک از این نسخ حاوی آثار اصلی هرمس است که نقش مهمی در علم و فلسفه غرب و اسلام بازی کرده است.

هرمس در دنیای اسلام

با انتشار علوم یونانی- اسکندرانی [40] و حکایت حرانیان در میان مسلمین، نام هرمس مشهورتر شد. دانشمندان مسلمان معتقد بودند او اخنوخ [41] یا انوخ [42] است که با 171#&؛ ادریس؛ پیامبر یاد شده در قرآن، یکی است در طول قرن سوم اسلامی، سبائیان حران، برای اینکه موقعیت قابل قبولی در جامعه اسلامی به عنوان اهل کتاب به دست آورند هرمس را پیامبر خود و آثار منسوب به او را کتاب مقدس خود می‌shy؛دانستند. تقریباً به نظر می‌shy؛رسد که آنها در ایجاد باور مسلمین به سه هرمس (هرمس shy؛های سه گانه) مؤثر بودند. در سالنامه [43] مسلمین سه هرمس شناخته شده است. هر یک از این سه دارای ویژگیهای متمایزی هستند که خلاصه آن به شرح ذیل است:

اولین هرمس، هرمس ال هرامیشا [44] است که بعضی او را از نسل کیومرث دانسته و معتقد بودند که وی همان 171#&؛ اخنوخ؛ و 171#&؛ ادریس؛ است. اولین کسی به شمار می‌shy؛رفت که معرفت آسمان shy؛ها را به دست آورد، علم پزشکی را به مردم آموخته، حروف الفبا و کتابت را ابداع کرده و پوشیدن لباس را به انسان تعلیم داده است. همچنین او کسی است که معابدی برای عبادت خداوند ساخت و طوفان نوح را پیش بینی کرد.

دومین هرمس، هرمس بابلی است که پس از طوفان نوح در بابل زندگی می‌shy& کرد و استاد پزشکی و فلسفه و علم خواص اعداد بود و علم و فلسفه را پس از طوفان نوح دوباره رواج داد. او کسی است که بابل را پس از نمرود[45] بازسازی کرد و علم را در آن جا گسترش داد. او همچنین استاد فیثاغورث نیز بود.

سومین هرمس، هرمس مصری است که در مناف[46] نزدیک فستات[47] که مرکز علم قبل از اسکندریه بوده است متولد شد و شاگرد آگاثدمون بود. او شهرهای زیادی از جمله ادسا[48] را ساخت و سفرهای زیادی نمود که در طی آنها وی سنت­هایی را برای مردم هر منطقه مطابق با سنت­های ویژه آنها برقرار کرد. او کتابی درباره حیوانات نوشت و استاد علوم پزشکی، فلسفه، کیمیا و خواص سموم بود. سومین هرمس برای لحظات ظهور هلال ماه، ورود خورشید به منطقه البروج و پیوستگی­های طالع بینی خوب و مبارک جشن­هایی را ابداع نمود. او ضرب المثل­هایی درباره اهمیت علم و فلسفه و عدالت به جای گذاشت و نیز استاد­171#&؛آسلیپیوس» بود.

فیلسوفان مسلمان، هرمس یا ادريس را منشأ حکمت یا سوفیا و از جمله اولین فیلسوفان و حکما در نظر گرفته­اند. به علاوه، شیخ الاشراق، شهاب الدین سهروردی و نیز شاگرد وی شهرزوری، او را یکی از متألهین (حکمای الهی) پنداشتند. شهرزوری هرمس را­171#&؛پدر فلاسفه» می­نامید. از نظر سهروردی در کتاب مطارحات، هرمس منشأ حکمت یا سوفیا بود که از یک سو از طریق آسلیپیوس، فیثاغورث و افلاطون به یونانیان و از طریق کیومرث، فریدون و کیخسرو به ایرانیان رسیده بود و سرانجام در طول دوره اسلامی با تعالیم مکتب اشراق یکی شده بود. همین طور، صدرالدین شیرازی، بزرگترین حکیم مسلمان، می­نویسد:­171#&؛بدانید که حکمت در واقع با آدم و فرزندانش ست[49] و هرمس، یعنی ادريس و نوح شروع شد، چون دنیا هرگز از شخصی که بر علم واحد و فرجام شناس بر او تکیه کند، محروم نمی­شود و بزرگ ترین آنها هرمس­است که حکمت را در سراسر دنیا و کشورهای مختلف منتشر و آشکار ساخت و آنرا بر عابدان واقعی نمودار ساخت. او پدر فلاسفه (ابوالحکما) و استاد استادان است.»

اشاره به هرمس در منابع اسلامی بسیار زیاد است و کسی نمی­تواند همه آنها را در این مقاله بیان کند. اما از آنچه که بیان شده، روشن است که برای مسلمانان، هرمس پایه گذار فلسفه و علوم به ویژه نجوم و طالع بینی، کیمیا و پزشکی و اختراعات مهم بسیاری است که به او نسبت داده شده است. هم چنین با تعیین سن وی به مدت 365 سال می­توان دید که او اساساً یک قهرمان فروزان است که نمایان است. جالب توجه این است که مطابق با منابع سنتی، هرمس نمرده بلکه زنده از زمین به آسمان برده شده و اکنون در آسمان- مانند عیسی (ع) که شخصیت فروزان وی از هر جهت متجلی است- زندگی می­کند.

آثار هرمسی به زبان عربی و فارسی

مهمترین منبع برای آگاهی از آثار هرمسی به عربی، الفهرست ابن ندیم است. در این کتاب بیست و دو رساله از هرمس ذکر شده که سیزده کتاب در مورد کیمیا، چهار مورد در طلسمیات و پنج مورد درباره طالع بینی است. از این کتاب­ها فقط اندکی از آنها باقی است، مابقی فقط نامی از آنها مانده است. مطابق با تحقیق ماسینیون[50]، ترجمه­های عربی زیر از هرمس موجود است: کتاب قراطیس الحکیم[51]، کتاب الحبيب[52]، کتاب کتنکالوش[53] منسوب به ابن وحشیا[54] که نالینو[55] معتقد بود مبتنی بر متن پهلوی بوده است و کتاب مسموعات شاناق[56]. علاوه بر این کتب، چند متن عربی دیگر منسوب به هرمس نیز وجود دارد، به احتمال زیاد این متون حاوی بعضی مطالب یونانی است.

مهمترین این کتب معادلات النفس[57] یا زئیرالنفس[58] است که افضل الدین کاشانی با عنوان ینبوع الحیاة[59] به فارسی ترجمه کرد، کتاب معروف سیرالخالقه[60] منسوب به بالینوس[61] و کتاب قابس القبیس فی تدبیر هرمس الهرامیس[62]. به علاوه گفته­های زیادی منسوب به هرمس در کتاب ابن القفطی[63] و شهرستانی و چندین کتاب ناشناخته مثل کتاب الاستیماخوس[64]، کتاب الفلکتنیات اکبری[65]، و­171#&؛تفسیر هرمس» بر کتاب العلم المخزون فی اسرار العالم المکتوم[66] موجود است.

همچنین در فهرست آثار عربی هرمس باید از صحائف[67] یا دست نوشته[68] ادريس در صحیفه ذکر شده در بحارالانوار مجلسی یاد کرد. بر اساس رأی ابن ندیم سی صحیفه بر هرمس نازل شده است و این سومین وحی برای انسان بود. امروزه دو کتاب از انوخ به جای مانده است: یکی کتاب سری انوخ، که اصل آن یونانی و معروف به کتاب انوخ سیسیلی است و دیگری کتاب انوخ که اصل آن عربی یا عبری و معروف به کتاب اتیوپی[69]ای است. هر چند صفح ذکر شده در بحارالانوار، نمی­تواند با هیچ یک از این متون یکی باشد و خود کتاب مستقلی است.

در بحث از آثار هرمسی به عربی، نمی­توان به ظهور نویسندگان مسلمانی که آثارشان کم یا بیش مبتنی بر منابع هرمسی است، اشاره­ای نداشت. یکی از مهمترین این آثار که قبلاً ذکر شد، سیرالخالقه است که در دوره خلافت مأمون تألیف شده است. این کتاب منسوب به آپولونیوس[70] از مردم تیانا[71] است و گفته شده که مبتنی بر کتاب العلل الاشياء[72] هرمس است. به عقیده نویسنده کتاب، نسخه خطی این اثر در غاری در زیر مجسمه هرمس در تیانا پیدا شده است. در همان مکان بود که یک لوح زمردین

پیدا شد که متن معروف علم کیمیا، تابلوی اسماراگ دینا [73] بر آن نقش شده بود.

همچنین مجموعه جابر بن [74] را نیز باید در ارتباط به آثار هرمسی ذکر کرد. بسیاری از مقالات آن مثل کتاب الهاجر [75] و کتاب التدویر [76] اشاره به هرمس داشته و در مابقی به وضوح رنگ و بوی هرمسی دارند. هم چنین در ص 8 [77] از هرمس به عنوان یکی از پایه گذاران اصلی علم کیمیا یاد شده است.

در بررسی تازه پلسنر [78] این متن مشهور علم کیمیا نمایان شده که به وسیله ابن امیل [79] یکی از شاگردان مکتب جابر نوشته شده است. آثار ابن وحشیا مثل الفلاحه النبتیه [80]، التکلوش [81] و متعالی الانوار [82] که تاثیر بابلیان، سبائی، هنریان و نوافلاطونیان را نشان می‌دهد؛ نیز بسیار با آثار هرمسی مرتبط بوده و تشابهات زیادی با آنها دارد. می‌توان با اطمینان گفت که همه این نویسندگان مسلمان که متمایل به مطالعه علم کیمیا، نجوم و دیگر علوم غریبه بودند تا حدی تحت تاثیر مکتب هرمسی بوده‌اند.

در آثار مربوط به علم کیمیا، غایت الحکیم [83] مخصوصاً از این نظر شایسته یادآوری است. از میان آثار علم نجوم یا طالع بینی کتاب shy&های ابومعشر البلیخی [84] و عبدالجلیل سیجزی [85] تمایلات هرمسی پررنگی را نشان می‌دهد. با این وجود در این حوزه shy&ها، نفوذ مکتب هرمسی در هر جایی پیداست، به طوری که بسیاری از آثار مکتوب در این باره به طور طبیعی تحت عنوان آثار هرمسی قرار می‌گیرند.

پی نوشت:

[1] . Ficino

[2] . Agrippa

[3] . Bruno

[4] . Paracelcus

[5] . Boyle

[6] . Jacob Boehme

[7] . Goethe

[8] . Thoth

[9] . UkhnuKh

[10] . Idris

[11] . Maia

[12] . Caduceus

[13] . Manetho

[14] . Ptolemy

[15] . Agathedemon

[16] . Mercury

ibis . [17]

ounou . [18]

Khnoumou . [19]

Hermopolis . [20]

Nehemahut . [21]

cosmic . [22]

Asclepius . [23]

Isis . [24]

Osiris . [25]

Poimandres . [26]

Asclepius . [27]

stobaeus . [28]

Zosimus . [29]

Fulgentius . [30]

Iamblichus . [31]

Bibliotheca Graeca . [32]

Berthelot . [33]

Stein schneider . [34]

Marsi glio Ficino . [35]

Mead . [36]

Scott . [37]

Nock . [38]

Festugiere . [39]

Graeco- Alexandrian . [40]

UkhnuKh . [41]

Enoch. [42]

annals . [43]

Hirmis al - haramisah . [44]

Nimrod . [45]

Manaf . [46]

Fustat . [47]

Edessa .[48]

seth . [49]

Massignom . [50]

Kitab qaratis al-hakim . [51]

.kitab al- habib . [52]

Kitab Tankalush . [53]

Ibn Wahshiyah . [54]

Nallino . [55]

Kitab al- masmumat Shanaq . [56]

Mu, adilat al- nafs . [57]

Zair al- nafs . [58]

Yanbu al- hayat . [59]

Sirr al- Khaliqah . [60]

Balinus . [61]

Hirmis al -Haramis . [62]

Ibn al qifti . [63]

Kitab al- astimakhis . [64]

Kitab al Falakyat al- kabra . [65]

Kitab al ilm al- makhtum . [66]

Sahaif. [67]

codices . [68]

Ethiopian . [69]

Apollonius . [70]

Tyana . [71]

Kitab ilal al-ashya . [72]

Tabula smaragdina . [73]

Jabirian . [74]

Kitab al-hajar . [75]

Kitab al- Tadwir . [76]

Turba philosophorum . [77]

plessner . [78]

ibn umail . [79]

al- falahat al - Nabatiyah . [80]

al- Tankalush . [81]

al Mayali al- anwar . [82]

Ghayat al- hakim . [83]

Abu Mashar Balkhi . [84]

sijzi . [85]

ادامه دارد

نویسنده: دکتر سید حسین نصر

ترجمه: دکتر پریش کوششی